

The Role of Economic Relations in the Political Commitment of the United Arabic Emirates to Iran from 1359/1980 to 1367/1988

Zia Mohammadi *

MA Student in History- Persian Gulf Studies, University of Isfahan, Iran, zmandfriends@gmail.com

Mostafa Pirmoradian

Assistant Professor of History, University of Isfahan, Iran, mostafapirmoradian@yahoo.com

Abstract

The Iran-Iraq war affected the future relations of the Islamic Republic of Iran with many countries. Most of the countries in the region immediately supported Iraq, but the UAE's two-sided positions between the two involved countries seem to have been linked to the country's vast ties with the Iran. The research seeks to examine the role of economic relations in terms of the political commitment of the UAE to Iran over the war period. The results seem to be useful for building better relationships with the countries of the region in today's world. So, the economic relations between the two countries affected the extent of the political commitment of the UAE against Iran. Our assumption is that economic relations have increased the political commitment of the UAE against Iran. In this paper, the research method is descriptive and is based on library studies and periodical publications. The two countries' views on issues such as the opposition to the presence of foreigners in the region, the frequent visits of their officials, and the opposition to the UAE by cutting off the relationship between the Arabs and Iran are among the signs of a growing political commitment of the United Arab Emirates to the Islamic Republic of Iran at the international level.

Keywords: Islamic Republic of Iran; the United Arab Emirates; Imposed War; Economic Relations; Political Relations

* Corresponding author

فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و سوم، دوره جدید، سال نهم
شماره دوم (پیاپی ۳۵)، پاییز ۱۳۹۶، صص ۱۷۱-۱۸۸
تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۵/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۲۴

نقش روابط اقتصادی در میزان تعهد سیاسی امارات متحده عربی

در برابر ایران از ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ ش / ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ م

ضیا محمدی* - مصطفی پیرمردیان**

چکیده

جنگ ایران و عراق روابط آینده جمهوری اسلامی ایران را با بسیاری از کشورها تحت تأثیر قرار داد. بیشتر کشورهای منطقه بلافاصله جانب عراق را گرفتند؛ اما به نظر می‌رسد که مواضع میانه امارات در برابر دو کشور، با روابط گسترده این کشور با جمهوری اسلامی مرتبط بود. این پژوهش بر آن است نقش روابط اقتصادی را در میزان تعهد سیاسی امارات در برابر ایران در دوره جنگ بررسی کند. به نظر می‌رسد نتایج حاصل برای ایجاد روابط بهتر با کشورهای منطقه در جهان امروز مفید باشد. بنابراین باید پرسید: روابط اقتصادی دو کشور در میزان تعهد سیاسی امارات در برابر ایران چه تأثیری گذاشت. فرض ما بر آن است که روابط اقتصادی افزایش تعهد سیاسی امارات در برابر ایران را موجب شد. در این نوشتار، روش پژوهش به صورت توصیفی تحلیلی و برپایه مطالعات کتابخانه‌ای و نشریات ادواری است. اشتراک نظر دو کشور در مسائلی مانند مخالفت با حضور بیگانگان در منطقه و دیدارهای فراوان مقامات آنها و مخالفت امارات با قطع رابطه اعراب با ایران، از جمله نشانه‌های افزایش تعهد سیاسی امارات متحده در برابر جمهوری اسلامی ایران در سطوح بین‌المللی است.

واژه‌های کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، امارات متحده عربی، جنگ تحمیلی، روابط اقتصادی، روابط سیاسی

* دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ - مطالعات خلیج فارس، دانشگاه اصفهان، ایران (نویسنده مسؤل) zmandfriends@gmail.com

** استادیار تاریخ، دانشگاه اصفهان، ایران، mostafapirmoradian@yahoo.com

مقدمه

برابر ایران پرهیز می‌کرد که باید نقش روابط اقتصادی را در این زمینه بررسی کرد. حال باید پرسید: چرا ایران از نظر اقتصادی به سوی امارات گرایش پیدا کرد. چرا این گرایش ایران با استقبال امارات متحده روبه‌رو شد. چه علت‌ها و اقداماتی نشان‌دهنده تأثیر روابط اقتصادی در میزان تعهد سیاسی امارات متحده در برابر ایران هستند.

وضعیت اقتصادی ایران پس از انقلاب و در زمان جنگ تحمیلی

الف. تحریم: انقلاب در هر کشوری که اتفاق افتد، علاوه بر فرصت‌های به‌وجودآمده، به‌صورت طبیعی هزینه‌هایی را هم به‌دنبال دارد که ممکن است تا مدت‌های طولانی سرنوشت کشور را تحت تأثیر قرار دهد. در جریان انقلاب کبیر فرانسه، این موضوع به‌خوبی مشاهده شد؛ چنان‌که تمام اروپا در مقابل فرانسه ایستادند و جنگ‌های بسیاری را به این کشور تحمیل کردند. در ایران نیز این هزینه‌ها، آن هم در آستانه جنگی بزرگ، زیان‌های بسیاری به کشور وارد کرد؛ به‌گونه‌ای که جریان تجارت و بازرگانی ایران را به‌کلی تغییر داد. در آن زمان، اقتصاد ایران علاوه بر تبعات ناشی از جنگ و هزینه‌های آن، با دیوار بزرگ دیگری نیز دست‌وپنجه نرم می‌کرد و آن تحریم‌های آمریکا برضد جمهوری اسلامی بود. تحریم‌هایی که تا حدود بسیاری جنبه بین‌المللی پیدا کرده بود و کشورهای فراوانی با آن همراه شده بودند. ریشه این تحریم‌ها به زمان انقلاب و جریان اسارت کارکنان سفارت آمریکا در تهران بازمی‌گشت. تسخیر سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸/۴ نوامبر ۱۹۷۹، اتفاق افتاد و تعدادی از کارکنان سفارت اسیر شدند که ۴۴۴ روز در بند بودند. در پی این حادثه، آمریکا اقداماتی از قبیل حمله نظامی و سپس تحریم‌های شدید اقتصادی بر ضد ایران را اعمال کرد. در ۲۹ دی ۱۳۵۹/۱۹ ژانویه ۱۹۸۱، گروگان‌ها

دهه اول پس از انقلاب، شاهد جنگ عراق علیه ایران بود. جنگی که در شهریور ۱۳۵۹/سپتامبر ۱۹۸۰، آغاز شد و در مرداد ۱۳۶۷/اوت ۱۹۸۸، به پایان رسید. بهانه عراق برای جنگ ادعاهای ارضی، از جمله درباره اروندرود (شط‌العرب)، بود. مواضع متناقض امارات در این دوره علت‌های بسیاری داشت و شاید این کشور تلاش می‌کرد که این‌گونه دو طرف جنگ را از خود راضی نگه دارد. علت‌های گرایش امارات به عراق بسیار روشن است؛ اما درباره علت‌های حمایت این کشور از ایران، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. بنابراین نقش روابط اقتصادی دو کشور در تعهد سیاسی امارات به ایران جای بحث و بررسی دارد. در این باره پژوهش‌چندانی نشده است. در واقع، تا به حال به این مسئله توجه نشده است که چرا امارات علاوه بر عراق، به ایران هم گرایش داشت و اینکه اقتصاد در این زمینه چه نقشی ایفا کرد.

در کنار جنگ، عوامل دیگری شامل مسائل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز بر رفتار امارات تأثیر گذاشتند. ناسیونالیسم عربی در مقابل هویت ایرانی، مذهب تسنن در مقابل تشیع، ترس اعراب از شعار صدور انقلاب ایران، اختلافات دو کشور بر سر جزایر سه‌گانه (تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی)، فشار قدرت‌های منطقه‌ای از جمله خود عراق و عربستان و در نهایت میزان سرایت جنگ به محدوده حاکمیت امارات متحده عوامل منطقه‌ای بودند. در کنار این، فشار قدرت‌های جهانی از جمله آمریکا و نیز تبلیغات جهانی علیه انقلاب ایران عوامل فرامنطقه‌ای تأثیرگذار بر مواضع امارات متحده عربی بودند. در نتیجه امارات هم مانند سایر اعراب خلیج فارس، کمک‌های مالی چشمگیری در اختیار عراق قرار داد و در سطوح بین‌المللی، در بسیاری مواقع با این کشور همراهی کرد؛ اما در مقایسه با دیگر اعراب خلیج فارس، از اتخاذ مواضع تند و سخت در

گذاشته شد و طبق اصل چهل و چهارم قانون اساسی، دولت به پیگیری آن موظف شد. دولت نیز در راستای هدایت و کنترل مصرف و جلوگیری از خروج بی‌رویه ارز از کشور، واردات را کاهش داد و کالاها را سهمیه بندی کرد و برای توزیع آنها مراکزی ایجاد کرد (رکن الدین افتخاری، ۱۳۷۱: ۵۸۲). به این ترتیب، ایران در تمام عرصه‌ها به‌ویژه اقتصادی، به سمت کاهش وابستگی به غرب حرکت کرد؛ برای مثال در سه سال اول انقلاب، میانگین واردات از کشورهای جهان سوم ۱۷/۱۹ درصد بود که ۸/۷۲ درصد آن به کشورهای اسلامی تعلق داشت. در همین مدت، کشورهای غربی ۷۲/۳۸ درصد واردات ایران را به خود اختصاص داده بودند. حال آنکه در سه سال پیش از انقلاب، این ترتیب برای کل کشورهای جهان سوم ۷/۷۵ درصد بود که سهم کشورهای اسلامی از آن فقط ۲/۵ درصد بود و این نسبت برای غربی‌ها ۸۶ درصد بود. در این مدت، ۲۲ درصد صادرات غیرنفتی ایران به کشورهای جهان سوم تعلق داشت و از این میزان، ۲۱ درصد به کشورهای اسلامی صادر می‌شد. کشورهای غربی هم ۴۳ درصد را شامل می‌شدند و مابقی هم به کشورهای سوسیالیستی می‌رسید. سیاست تغییر جهت در مبادلات تجاری با بلوک‌ها و کشورها در سه سال دوم پس از انقلاب نیز تداوم یافت؛ به نحوی که سهم جهان سومی‌ها از واردات ایران به ۱۹/۳۸ درصد رسید که ۹/۹ درصد آن به کشورهای اسلامی تعلق داشت. واردات از غرب هم ۷۱/۸۱ درصد بود؛ اما صادرات نیز چنین روندی را نشان می‌دهد. به این صورت که سهم جهان سومی‌ها از صادرات ایران ۲۷/۷۲ درصد شد که ۱۰/۳۶ درصد آن به ملل اسلامی تعلق داشت و میزان صادرات به غرب ۴۸/۱۲ درصد شد. در مقایسه با دو دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ ش/ ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۸ م و ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ ش/ ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳ م، مشاهده می‌شود که واردات از غرب ۱۴ درصد کاهش یافت؛ حال آنکه واردات

آزاد شدند؛ ولی تحریم‌ها کماکان ادامه یافت؛ اما دیگر نه به علت سرنگونی شاه یا اسارت دیپلمات‌ها، بلکه رفتارهای نامطلوب از سوی ایران از سال ۱۳۶۰ ش/ ۱۹۸۱ م بهانه آن بود (علیخانی، ۱۳۸۴: ۲۶ تا ۲۴).

تصمیم به اعمال تحریم‌ها با علت‌هایی همچون واداشتن جمهوری اسلامی ایران به کنار گذاشتن سیاست‌های ناخوشایندی که در قبال آمریکا داشت، مجازات ایران برای سیاست‌هایی که در پیش گرفته بود و ابراز مخالفت نمادین دولت آمریکا برای جلب نظر گروه‌های طرفدار اسرائیل در آن کشور همراه بود (علیخانی، ۱۳۸۴: ۴۰). رونالد ریگان (Reagan Ronald)، رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۱۳۶۱ ش/ ۱۹۸۲ م و هنگام تمدید تحریم‌های ایران که از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹/ آبان ۱۳۵۸ اعمال شده بود، عادی‌شدن روابط با ایران را در آینده نزدیک غیرممکن خواند (اطلاعات، ۱۳۶۱: ش ۱۶۸۶۳، ۱۵).

به این ترتیب طی دوره جنگ نیز، ایالات متحده آمریکا و متحدانش ایران را در تحریم و محاصره اقتصادی قرار دادند. علاوه بر محدود شدن دایره کشورهای طرف تجارت، از پیامدهای تحریم اقتصادی به‌طور طبیعی افزایش نرخ اجناس وارداتی بود؛ چنان‌که ارزش واردات ایران در سال ۱۳۵۹ ش/ ۱۹۸۰ م، در مقایسه با سه سال پیش از آن، معادل ۱۳ درصد افزایش قیمت پیدا کرد که کنار عامل جنگ، آن را از اعمال تحریم اقتصادی از جانب آمریکا و اتحادیه اروپا ناشی دانسته‌اند؛ چراکه تحریم باعث شد که واردات کالا از کشورهای مبدأ به صورت مستقیم تاحدودی غیرممکن شود و در نتیجه، رجوع به بازارهای واسطه، قیمت کالاهای وارداتی را به شدت افزایش داد (رکن الدین افتخاری، ۱۳۷۱: ۵۸۲ و ۵۸۳).

ب. سیاست کاهش وابستگی به غرب و دولتی‌شدن اقتصاد: با پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی و نیز در پی اعمال تحریم‌های آمریکا بود که در جهت کاهش وابستگی به خارج، تجارت خارجی برعهده دولت

از جهان سوم و جهان اسلام همواره رو به افزایش بود. به همین شکل، صادرات به جهان سوم و ملل اسلامی نیز افزایش یافت (ماهنامه بررسی‌های بازرگانی، ۱۳۶۶، ش ۶: ۷ و ۶).

پ. جنگ عراق علیه ایران: در شهریور ۱۳۵۹/۱۹۸۰م، رژیم بعث عراق با دعاوی ارضی حمله‌ای همه‌جانبه علیه ایران آغاز کرد که هشت سال به طول انجامید و زیان‌های هنگفتی به ایران، به‌ویژه بخش اقتصادی، وارد کرد. وقوع جنگ و هزینه‌های آن و نابودی زیرساخت‌های اقتصادی کشور، فشارهای اقتصادی به ایران را چند برابر کرد و درآمدها را کاهش داد و هدررفت ذخایر ارزی کشور را باعث شد. بلافاصله پس از شروع جنگ، ۳ میلیون بشکه از تولیدات نفتی ایران از بازارهای جهانی حذف شد (مجله اقتصادی، ۱۳۶۵، ش ۳: ۷). برای کشوری مانند ایران با اقتصاد تک‌محصولی، این امر فاجعه‌ای به شمار می‌آمد. نتیجه هم‌زمان این وضعیت، افزایش سریع و سرسام‌آور هزینه‌ها در مقابل کاهش یکباره درآمدها و در نتیجه، اجبار در استفاده بی‌رویه از ذخایر مالی کشور بود. تأثیر جنگ تحمیلی در اقتصاد از سخنان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بهتر درک می‌شود. به گفته وی از سال ۱۳۶۵ ش/۱۹۸۶م، یک‌سوم بودجه کشور به مصرف نیروهای نظامی رسید و سال بعد، علاوه بر بودجه مصوب برای نیروهای مسلح، ۷۰ میلیارد تومان که به‌طور تقریبی یک چهارم بودجه کشور بود، به جنگ اختصاص یافت و یک‌سوم از امکانات ارزی کشور در اختیار جنگ قرار گرفت (رزاقی، ۱۳۶۷: ۶۵۹).

تأثیر جنگ عراق و ایران بر اقتصاد امارات

جنگ عراق علیه ایران نه تنها برای دو کشور بلکه برای تمام منطقه خلیج فارس تبعات و هزینه‌هایی به بار آورد. همان‌طور که گفته شد امارات متحده نیز تحت وضع حاکم بر شورای همکاری خلیج فارس، مبالغ چشمگیری به رژیم

بعث عراق کمک کرد که برای اقتصاد امارات سنگین بود؛ برای نمونه این کمک‌ها یکی از علت‌هایی بود که اقتصاد امارات را در سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ ش/۱۹۸۵ و ۱۹۸۶م فلج کرد؛ به نحوی که این کشور با رکود اقتصادی شدید، ورشکستگی شرکت‌های بزرگ و بحران در بودجه عمومی مواجه شد و بودجه با تأخیر فراوان به تصویب می‌رسید (رسالت، ۱۳۶۵، ش ۳۰۱: ۳). در سال ۱۳۶۶ ش/۱۹۸۷م نیز امارات با بحران در پرداخت تعهدات مالی خود مواجه شد و حتی کمک‌های ابوظبی و دبئی، ثروتمندترین شیخ‌نشین‌های آن، نیز کفاف تأمین هزینه‌های پرداخت حقوق کارمندان دولتی را نمی‌کرد. این وضعیت از افزایش مداوم هزینه‌های دفاعی امارات ناشی می‌شد؛ چراکه طی چند سال، مخارج دفاعی این کشور به‌طور متوسط ۵۰ درصد کل هزینه‌های این کشور را تشکیل داده بود. در واقع هفت شیخ‌نشین بهای اسلحه خریداری‌شده خود را پرداخت می‌کردند و سپس مبلغ آن را از میزان کمک خویش به بودجه فدرال کم می‌کردند (رسالت، ۱۳۶۶، ش ۵۵۱: ۱۱).

بی‌تردید این افزایش مداوم هزینه‌های دفاعی از احساس خطر از جنگ عراق و ایران و احتمال گسترش آن به کل منطقه خلیج فارس ناشی می‌شد که حمله عراق به میدان‌های نفتی امارات و وقوع جنگ نفت‌کش‌ها و افزایش حضور نظامی قدرت‌های بیگانه در آب‌های خلیج فارس شاید نشانه‌هایی از آن بود. در کنار این عوامل، به نظر می‌رسد که سیاست‌های دفاعی و نظامی شورای همکاری خلیج فارس هم تا حدودی در آن تأثیر داشت. بنابراین جنگ عراق و ایران در کنار فرصت‌هایی که برای امارات، به‌ویژه در عرصه اقتصادی، به وجود آورد هزینه‌های انکارناپذیری هم برای این کشور به همراه آورد که اقتصاد امارات از آن دور نماند؛ در نتیجه امارات نیز به تجارت با ایران نیازمند بود و به آن به چشم فرصتی بزرگ می‌نگریست.

روابط اقتصادی ایران و امارات در دوره جنگ

قبل از انقلاب اسلامی، اعراب خلیج فارس در میان شرکای تجاری درجه یک ایران جایی نداشتند و در همان روابط اقتصادی اندک نیز کفه ترازو تاحد چشمگیری به سود ایران بود که این امر روابط با امارات متحده را هم شامل می‌شد؛ برای مثال در سال ۱۳۵۳ ش/ ۱۹۷۴ م، صادرات ایران به امارات حدود ۱۰۵۵ میلیون دلار بود و واردات آن از امارات نزدیک به ۸۸۴ میلیون دلار بود. بیشترین میزان صادرات و واردات به دبی تعلق داشت و صادرات اغلب شامل اجزاء ساختمانی، چربی‌های حیوانی، چربی‌های نباتی، مواد شیمیایی و اقلام خوراکی بود و واردات نیز بیشتر کالاهای ساخته‌شده مانند ابزار برقی و ماشین‌آلات بود که جنبه صادرات مجدد داشت. حکومت شاه قبل از تشکیل کشور امارات، از تاریخ ۱۰ آذر ۱۳۴۸/ ۱۹۶۹ م، اتباع تمام امارات خلیج فارس را از مقررات مربوط به تحصیل روادید ورود به ایران معاف کرده بود. آن زمان حدود سی هزار مهاجر ایرانی در امارات زندگی می‌کردند که بیشترشان در دبی و ابوظبی اقامت داشتند و در اقتصاد و تأمین نیروی انسانی نقش مؤثری داشتند؛ همچنین بانک صادرات، بانک ملی و بانک اعتبارات تعاونی توزیع ایران در امارات متحده فعالیت می‌کردند (امارات عربی متحده، ۱۳۵۴: ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۷). در زمان جنگ نیز همچنان مؤسسات ایرانی در امارات فعال بودند و ایرانیان بسیاری، چه کارگر و چه تاجر، در اقتصاد امارات و تجارت آن با ایران نقش داشتند.

تحریم اقتصادی، جنگ، سیاست کاهش وابستگی به غرب و در نتیجه دولتی شدن اقتصاد باعث شد که ایران در عرصه تجاری، به کشورهای تاحدودی مستقل از جمله امارات متحده گرایش شدیدی پیدا کند؛ از سوی دیگر، تأثیر جنگ بر اقتصاد امارات از طریق افزایش هزینه‌های آن در نتیجه کمک‌های مالی به عراق و بحرانی‌های اقتصادی

ناشی از این امر، در کنار عوامل دیگری مانند حضور گسترده ایرانیان در امارات و نقش مؤثر آنها در اقتصاد این کشور، استقبال امارات متحده از گسترش روابط تجاری با ایران را باعث شد.

تا پیش از وقوع انقلاب در ایران، در میان کشورهای خلیج فارس عربستان و کویت و عراق، در مقایسه با سایر کشورهای این حوزه، درصد بیشتری از صادرات ایران را جذب کرده بودند؛ اما پس از انقلاب، صادرات به این کشورها کاهش یافت و تغییراتی در طرف‌های مبادله صورت گرفت؛ به نحوی که امارات متحده عربی و کویت گوی سبقت را از دیگران ربودند (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۷۱: ۶۲۴).

ایالات متحده آمریکا که پیش از انقلاب اصلی‌ترین شریک تجاری ایران بود، از سال ۱۳۵۸ ش/ ۱۹۷۹ م، از تجارت با ایران کنار کشید و کشورهای دیگری نظیر امارات جایگزین آن شدند. امارات در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ ش/ ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ م، به ترتیب رتبه چهارم و دوم را در واردات از ایران به خود اختصاص داد؛ همچنین از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸ ش/ ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۹ م، دبی پس از آلمان غربی در مجموع دومین شریک واردکننده کالا از ایران بود (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۷۱: ۶۴۵، ۶۴۲ و ۶۴۷). در سال ۱۳۶۱ ش/ ۱۹۸۲ م، امارات متحده عربی ۱۶ هزار تن کالا را به ارزش ۱/۵ میلیارد ریال از تولیدات ایران خریداری کرد که این میزان دربرگیرنده ۶/۳ درصد از ارزش کل صادرات ایران بود (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۶۳: ۱۳۷۰). منابع به صورت اختصاصی، به کالاهای صادراتی ایران به امارات اشاره چندانی نکرده‌اند و هر کجا نامی از کالاهای صادراتی یا وارداتی برده می‌شود، طیف گسترده‌ای از فروشندگان و مشتریان ایران را شامل می‌شود که امارات متحده هم در میان آنها قرار دارد. اما در شمار اقلام صادراتی ایران به امارات باید از

خشکبار و محصولات باغی و کشاورزی مانند پسته، حبوبات و...، شکلات، مواد شیمیایی، فرش و قالی، ماشین‌آلات ساختمانی، تجهیزات فنی و... نام برد (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۶۳: ۲۰۳). در زمینه صادرات به ایران، در سال ۱۳۶۰ش/۱۹۸۱م، امارات متحده عربی پس از کشورهای آلمان غربی، ژاپن، انگلیس، ایتالیا، کره جنوبی، سوئیس، فرانسه، هلند و اسپانیا در جایگاه دهم قرار داشت. در سال ۱۳۶۰ش/۱۹۸۱م، ارزش واردات از امارات متحده در مقایسه با صادرات به این کشور صد برابر بود. روندی که در سال‌های بعد هم تداوم یافت. جالب آنکه به‌طور تقریبی، تمامی طرف‌های بازرگانی خارجی با ایران تراز مثبت تجاری داشتند (رزاقی، ۱۳۶۷: ۶۲۱ و ۶۲۲). این امر از پیامدهای تحریم و جنگ برای اقتصاد ایران بود و به‌این ترتیب در مقایسه با قبل از انقلاب، تجارت میان ایران و امارات به‌طور کامل متحول شد.

بیشتر کالاهای صادراتی از امارات به ایران نیز همان کالاهای صادرات مجدد بود که عمده آنها فنی و مهندسی و کالاهای واسطه‌ای بود؛ چراکه امارات بیشتر نقش بندر و بارانداز را برای ایران ایفا می‌کرد و بندرهای اماراتی شارجه و دبی در اختیار ایران بود. در اوایل جنگ که بندرهای ایران امکان‌پذیری از کشتی‌های تجاری را نداشتند، بنادر دبی و شارجه و رأس‌الخیمه میزبان این کشتی‌ها بودند و کشتی‌ها بارهای خود را در این بندرها تخلیه می‌کردند و این کالاها تا زمان حمل به ایران، در انبارهای بندرهای مذکور نگهداری می‌شدند (امارات عربی متحده، ۱۳۶۴: ۱۲۷ و ۱۲۸). همین امر از جمله علت‌های گسترش روابط تجاری با امارات و افزایش تراز بازرگانی مثبت آنها در مقایسه با ایران بود. اما فارغ از بُعد تجاری و جنبه سودگرایی برای امارات، در اختیار نهادن بندرها توسط این کشور در چنان موقعیتی، تاحد چشمگیری کمک‌ها و حمایت‌های این کشور را به رژیم بعث عراق کم‌رنگ

کرد. در بُعد اقتصادی نیز همانند بُعد سیاسی، امارات متحده موضعی بینابین را در پیش گرفت و اگرچه کمک‌های مالی بسیاری در اختیار عراق قرار داد، از سوی دیگر بنادر خود را نیز در خدمت جمهوری اسلامی ایران نهاد. حکام امارات از کمک به عراق سودی به دست نمی‌آوردند؛ چراکه صدام بدهی خود را پس نمی‌داد (صفری، ۱۳۷۰: ۱۵۵) و آنها به‌طور قطع متحمل ضرر می‌شدند؛ چنان‌که اوضاع وخیم اقتصادی امارات در سال ۱۳۶۴ش/۱۹۸۵م گویای این مطلب است. حال آنکه کمک‌های امارات به ایران مبادله‌ای دوجانبه بود و چون در اوضاع جنگ و به‌ویژه تحریم ایران صورت می‌گرفت، عنوان کمک به آن تعلق می‌گیرد. در دوران جنگ که ایران و امارات با یکدیگر روابط تجاری داشتند، اماراتی‌ها این امکان را داشتند که با فشار عراق روابط خود را با ایران قطع کنند یا آنکه در تحریم‌های بین‌المللی ضد ایران شرکت کنند. به‌طور کلی روند مبادلات تجاری ایران با امارات متحده در زمان جنگ چنین بود: روابطی گسترده که در آن کفه ترازو به سود امارات بود و علت آن هم جز جنگ و تحریم نبود.

باتوجه به جدول‌های آماری که در ادامه خواهند آمد، جایگاه امارات در اقتصاد و تجارت ایران بهتر درک می‌شود. این جدول‌ها وضعیت امارات را در جایگاه شریک تجاری ایران، در میان شرکای جهانی، بلوک شرق و آسیا نشان می‌دهند. جدول‌های نخستین (الف) وضعیت این کشور را در میان کشورهای نشان می‌دهند که طی دوره زمانی ۱۳۵۴ تا ۱۳۶۸ش/۱۹۷۵ تا ۱۹۸۹م، در مجموع ۷۰ درصد مبادلات بازرگانی ایران با آنها صورت می‌گرفت. اما پیش از آوردن جدول‌ها، ارائه تحلیلی مناسب از آنها ضروری به نظر می‌رسد.

این جدول‌ها اوضاع تجارت با امارات را پیش و پس از انقلاب هم نشان می‌دهند. امارات متحده که تا پیش از انقلاب در میان ۱۲ کشوری که مشمول قاعده ۷۰ درصدی

است؛ این کشور یا شیخ‌نشین آن دبی مدت پنج سال از دوره جنگ، جزء قدرتمندترین شرکای تجاری ایران در زمینه صادرات بودند. دوم اینکه اکثر کشورهای این فهرست دول اروپایی بودند، آن هم به‌طور عمده قدرت‌های اقتصادی بزرگ و امارات با این قدرت‌ها رقابت می‌کرد؛ سوم اینکه غیر از امارات هیچ‌یک از کشورهای خلیج فارس در این فهرست حضور نداشتند و موفق نشدند با امارات رقابت کنند؛ بنابراین امارات شریکی راهبردی در تجارت جمهوری اسلامی ایران بود که تحریم و محاصره اقتصادی ایران را تا حد چشمگیری جبران می‌کرد.

اما در زمینه واردات از ایران، امارات متحده پیش از انقلاب هم یکی از شرکای ایران بود؛ چنان‌که در سال ۱۳۵۶ ش/ ۱۹۷۷ م، دبی با ۲/۴ درصد واردات از ایران در جایگاه دوازدهم قرار گرفت؛ ولی صعود به رده‌های اول تا سال ۱۳۶۱ ش/ ۱۹۸۲ م به طول انجامید. در این سال امارات با ۶/۴۰ درصد واردات از ایران، جایگاه چهارم را به خود اختصاص داد که پیش‌از آن به سوئیس تعلق داشت و سال بعد با ۱۴/۰۷ درصد، به جایگاه دوم این لیست ارتقاء یافت؛ اما پس‌از آن باز هم نامی از امارات دیده نمی‌شود و شیخ‌نشین ثروتمند دبی جایگزین آن می‌شود. این شیخ‌نشین در سال ۱۳۶۳ ش/ ۱۹۸۴ م با ۹/۰۴ درصد واردات از ایران در مکان چهارم قرار گرفت و بعد از آن تا سال ۱۳۶۷ ش/ ۱۹۸۸ م، یعنی به مدت چهار سال متوالی، در جایگاه دوم قرار داشت. در سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۷ ش/ ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۸ م دبی به ترتیب ۱۲/۶۱ درصد، ۱۵/۶۹ درصد، ۱۲/۶۵ درصد و ۱۳/۱۴ درصد کالاهای ایرانی را خریداری کرد؛ ولی سال بعد از آن، یعنی سال ۱۳۶۸ ش/ ۱۹۸۹ م، با ۱۲/۸۲ درصد به مکان سوم سقوط کرد.

در عرصه واردات از ایران نیز، امارات متحده به‌طور عمده با کشورهای غربی و اروپایی رقابت می‌کرد. پیش از

بودند، جایگاهی نداشت، به یکباره در سال ۱۳۵۹ ش/ ۱۹۸۰ م با اختصاص ۴/۳ درصد از صادرات به ایران، جایگاه هفتم را از هلند گرفت. همان‌طور که گفته شد، علت‌های این امر عبارت‌اند از: تحریم ایران، سیاست اقتصادی کاهش وابستگی به غرب و آغاز جنگ تحمیلی؛ اما یکسال بعد، یعنی سال ۱۳۶۰ ش/ ۱۹۸۱ م، میزان صادرات امارات به ایران به ۳ درصد کاهش یافت و امارات به رتبه دهم نزول کرد. رتبه‌ای که سال ۱۳۵۹ ش/ ۱۹۸۰ م از آن اتریش بود و فرانسه در جایگاه سال پیش امارات، یعنی رتبه هفتم، قرار گرفت. در این عرصه پس از سال ۱۳۶۰ ش/ ۱۹۸۱ م تا سال ۱۳۶۸ ش/ ۱۹۸۹ م، یعنی یک سال پس از اتمام جنگ، باز هم نامی از امارات دیده نمی‌شود.

براساس مقاله‌ای در مطبوعات ایران، در سال ۱۳۶۲ ش/ ۱۹۸۳ م امارات با ۲۲۴ هزار تن صادرات به ایران به ارزش ۲۹۲۶۷ میلیون ریال و اختصاص ۱/۸۵ درصد کل واردات ایران به خود، در جایگاه پانزدهم صادرکنندگان به ایران قرار گرفت (اطلاعات، ۱۳۶۴: ش ۱۷۷۶۳، ضمیمه اقتصادی: ۸).

با این حال شیخ‌نشین دبی چند سال غیرمتوالی، باز هم در میان این فهرست دوازده‌تایی دیده می‌شود. این شیخ‌نشین در سال ۱۳۶۵ ش/ ۱۹۸۶ م، با اختصاص ۴/۱۵ درصد از صادرات به ایران جای ایتالیا را در رتبه ششم گرفت؛ اما سال بعد، با ۲/۵۵ درصد صادرات، جایگاه خود را به نفع برزیل از دست داد و به رتبه یازدهم سقوط کرد؛ ولی در سال ۱۳۶۷ ش/ ۱۹۸۸ م، این شیخ‌نشین نیز در میان لیست دوازده‌تایی جایی نداشت. تا آنکه سال بعد، ۱۳۶۸ ش/ ۱۹۸۹ م، دوباره خود را به جایگاه چهارم رساند و ۵/۵۲ درصد از صادرات به ایران را به خود اختصاص داد و جای ترکیه را گرفت. با دقت در این جدول‌ها چند نکته مشخص می‌شود: اول اینکه در میان شیخ‌نشین‌های امارات، دبی بیشترین رابطه اقتصادی را با ایران داشته

انقلاب سه کشور عربستان سعودی و کویت و عراق از منطقه خلیج فارس و نیز تا پیش از سال ۱۳۶۱ش/۱۹۸۲م، دو کشور کویت و عربستان سعودی در جایگاهی بالاتر از امارات قرار داشتند و از مشتریان قدیمی‌تر ایران محسوب می‌شدند؛ ولی از سال ۱۳۵۹ش/۱۹۸۰م، عراق درگیر جنگ با ایران شد و از جمع رابطان تجاری ایران کنار رفت. کویت در سال ۱۳۶۱ش/۱۹۸۲م، هم در جایگاه ششم و دو پله بعد از امارات بود؛ اما پس از این سال، کویت و عربستان سعودی به‌طور کلی از فهرست دوازده‌تایی خریداران کالا از ایران خارج شدند که علت آن را باید در حمایت‌های این کشورها از رژیم بعث عراق در مقابل ایران جستجو کرد؛ چراکه در دوران جنگ این دو از حامیان اصلی صدام بودند. بی‌تردید اگر روابط اقتصادی گسترده دو کشور مذکور با ایران به مانند قبل از

انقلاب سه کشور عربستان سعودی و کویت و عراق از منطقه خلیج فارس و نیز تا پیش از سال ۱۳۶۱ش/۱۹۸۲م، دو کشور کویت و عربستان سعودی در جایگاهی بالاتر از امارات قرار داشتند و از مشتریان قدیمی‌تر ایران محسوب می‌شدند؛ ولی از سال ۱۳۵۹ش/۱۹۸۰م، عراق درگیر جنگ با ایران شد و از جمع رابطان تجاری ایران کنار رفت. کویت در سال ۱۳۶۱ش/۱۹۸۲م، هم در جایگاه ششم و دو پله بعد از امارات بود؛ اما پس از این سال، کویت و عربستان سعودی به‌طور کلی از فهرست دوازده‌تایی خریداران کالا از ایران خارج شدند که علت آن را باید در حمایت‌های این کشورها از رژیم بعث عراق در مقابل ایران جستجو کرد؛ چراکه در دوران جنگ این دو از حامیان اصلی صدام بودند. بی‌تردید اگر روابط اقتصادی گسترده دو کشور مذکور با ایران به مانند قبل از

الف. جدول‌های مربوط به شرکای بازرگانی خارجی ایران

در زمینه واردات و صادرات (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۷۱: ۶۴۳ تا

۶۴۶)

ادامه جدول ۵ - ۳۹:

جدول ۵ - ۳۹: کشورهای طرف قرارداد بازرگانی خارجی ایران واردات و صادرات به ترتیب دسته - بندی الف - صادرات به ایران

رتبه سال	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم
۱۳۵۴	آمریکا	آلمان غربی	ژاپن	انگلستان	فرانسه	هندوستان	ایتالیا
۱۳۵۵	آلمان غربی	ژاپن	آمریکا	انگلستان	ایتالیا	فرانسه	سوئیس
۱۳۵۶	آلمان غربی	آمریکا	ژاپن	انگلستان	ایتالیا	فرانسه	هلند
۱۳۵۷	آلمان غربی	ژاپن	آمریکا	انگلستان	ایتالیا	فرانسه	سوئیس
۱۳۵۸	آلمان غربی	ژاپن	آمریکا	انگلستان	فرانسه	ایتالیا	هلند
۱۳۵۹	آلمان غربی	ژاپن	شوروی	انگلستان	ایتالیا	فرانسه	امارات متحده عربی
۱۳۶۰	آلمان غربی	ژاپن	انگلستان	ایتالیا	کره جنوبی	سوئیس	فرانسه
۱۳۶۱	آلمان غربی	ژاپن	ترکیه	انگلستان	ایتالیا	رومانی	کره جنوبی
۱۳۶۲	آلمان غربی	ژاپن	انگلستان	ترکیه	ایتالیا	کره جنوبی	سوئیس
۱۳۶۳	آلمان غربی	ژاپن	انگلستان	ایتالیا	بلژیک	ترکیه	برزیل
۱۳۶۴	آلمان غربی	ژاپن	سوئیس	ترکیه	انگلستان	ایتالیا	آرژانتین
۱۳۶۵	آلمان غربی	ژاپن	انگلستان	ایتالیا	ترکیه	دوبی	بلژیک
۱۳۶۶	ایتالیا	آلمان غربی	ژاپن	آرژانتین	ایتالیا	برزیل	انگلستان
۱۳۶۷	آلمان غربی	ژاپن	انگلستان	ترکیه	ایتالیا	بلژیک	برزیل
۱۳۶۸	آلمان غربی	ژاپن	ایتالیا	دوبی	ترکیه	انگلستان	بلژیک

رتبه سال	هشتم	نهم	یازدهم	دوازدهم	سایر
۱۳۵۴	هلند	بلژیک	سوئیس	ایتالیا	شوروی سابق
۱۳۵۵	هلند	هندوستان	بلژیک	ایتالیا	کره جنوبی
۱۳۵۶	سوئیس	بلژیک	شوروی سابق	ایتالیا	سوئیس
۱۳۵۷	بلژیک	هلند	آفریقای جنوبی	شوروی سابق	اسپانیا
۱۳۵۸	سوئیس	بلژیک	ایتالیا	شوروی سابق	رومانی
۱۳۵۹	سوئیس	کره جنوبی	اتریش	هلند	بلژیک
۱۳۶۰	هلند	اسپانیا	امارات متحده عربی	اتریش	بلژیک
۱۳۶۱	فرانسه	اسپانیا	بلژیک	هلند	سوئیس
۱۳۶۲	برزیل	آرژانتین	بلژیک	هلند	اسپانیا
۱۳۶۳	سوئیس	کره جنوبی	ایتالیا	آرژانتین	هلند
۱۳۶۴	رومانی	بلژیک	ایتالیا	کره جنوبی	هلند
۱۳۶۵	هلند	آرژانتین	برزیل	ایتالیا	کره جنوبی
۱۳۶۶	ترکیه	کانادا	بلژیک	دوبی	کره جنوبی
۱۳۶۷	هلند	فرانسه	شوروی	ایتالیا	سوئیس
۱۳۶۸	کره جنوبی	آرژانتین	ایتالیا	هلند	کانادا

ادامه جدول ۵-۳۹: ب- واردات از ایران

رتبه سال	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم
۱۳۵۴	شوروی سابق ۱۸/۷۳	آلمان غربی ۱۳/۵۲	آمریکا ۷/۷۵	ایتالیا ۴/۹۰	کویت ۴/۳۴	مجارستان ۳/۸۸	جمهوری چین ۳/۳۳
۱۳۵۵	آلمان غربی سابق ۱۶/۰	شوروی سابق ۱۴/۷۰	آمریکا ۶/۶۰	ایتالیا ۶/۱۳	عربستان سعودی ۴/۶۳	اتریش ۳/۲۷	ژاپن ۳/۲۳
۱۳۵۶	شوروی سابق ۲۱/۲	آلمان غربی ۱۳	آمریکا ۱۱/۴	عراق ۴/۲	ایتالیا ۴/۲	عربستان سعودی ۳/۷	مجارستان ۳/۵
۱۳۵۷	آلمان غربی سابق ۱۳/۹۰	شوروی سابق ۱۳/۳۰	ژاپن ۹/۸۱	آمریکا ۶/۱۳	چین تایوان ۵/۹۷	کویت ۵/۲۰	ایتالیا ۴/۵۵
۱۳۵۸	آلمان غربی سابق ۳۲/۷۰	آمریکا ۱۰/۱۰	شوروی سابق ۸/۳۳	ایتالیا ۶/۹۳	سوئیس ۶/۹۵	فرانسه ۵/۵۶	انگلستان ۳/۴۶
۱۳۵۹	آلمان غربی سابق ۴۵/۴۴	شوروی سابق ۱۲/۴۳	سوئیس ۸/۶۲	ایتالیا ۸/۴	عربستان سعودی ۳۱/۶۱	انگلستان ۳/۵۱	فرانسه ۳/۱۲
۱۳۶۰	آلمان غربی ۳۱/۸۸	ایتالیا ۱۳/۶۲	شوروی سابق ۱۱/۷۳	سوئیس ۷/۷۵	عربستان سعودی ۶/۶۰	مجارستان ۳/۶۵	کویت ۳/۴۸
۱۳۶۱	شوروی سابق ۱۹/۵۵	آلمان غربی ۱۸/۷۷	ایتالیا ۱۲/۵۴	امارات متحده عربی ۶/۴۰	ایران ۵/۵۵	سوئیس ۵/۴۵	کویت ۳/۴۸
۱۳۶۲	آلمان غربی ۲۰/۵۸	امارات متحده عربی ۱۴/۰۷	ایران ۱۳/۹۷	سوئیس ۱۱/۲۱	شوروی سابق ۹/۲۵	انگلستان ۴/۵۶	۳/۷۱
۱۳۶۳	آلمان غربی ۱۷/۷۹	شوروی سابق ۱۱/۹۷	ایتالیا ۹/۰۴	سوئیس ۷/۳۰	چکسلواکی ۶/۷۶	سوئیس ۶/۶۸	۶/۶۸
۱۳۶۴	آلمان غربی ۲۴/۴۴	سوئیس ۱۲/۶۱	ایتالیا ۱۱/۶۳	سوئیس ۱۱/۳۳	شوروی سابق ۶/۵۲	مجارستان ۶/۴۶	۳/۵۶
۱۳۶۵	آلمان غربی ۳۰/۹۲	سوئیس ۱۵/۶۹	ایتالیا ۷/۵۲	ایران ۷/۱۴	سوئیس ۶/۰۶	پاکستان ۵/۰۸	شوروی ۲/۴۰
۱۳۶۶	آلمان غربی ۳۰/۶۶	سوئیس ۱۲/۶۵	ایتالیا ۹/۹۹	سوئیس ۸/۱۰	شوروی سابق ۷/۸۳	ایران ۴/۷۸	ژاپن ۲/۷۴
۱۳۶۷	آلمان غربی ۲۷/۹۲	سوئیس ۱۳/۱۴	ایتالیا ۱۰/۳۱	انگلستان ۹/۵۸	سوئیس ۷/۵۱	شوروی ۶/۱۸	ژاپن ۳/۵۶
۱۳۶۸	آلمان غربی ۳۴/۴۰	ایتالیا ۱۲/۸۷	سوئیس ۱۲/۸۲	سوئیس ۷/۶۹	ژاپن ۵/۰۷	فرانسه ۲/۴۵	شوروی ۲/۸۸

مأخذ: نشریات آمار بازرگانی خارجی ایران، گمرک ایران.

ادامه جدول ۵-۳۹:

رتبه سال	هفتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم	سایر
۱۳۵۴	ژاپن ۳/۲۶	فرانسه ۲/۸۸	عربستان سعودی ۲/۸۵	مصر ۲/۶۲	انگلستان ۲/۴۳	۲۹/۱
۱۳۵۵	کویت ۳/۱۲	انگلستان ۳/۰۰	مجارستان ۲/۸۱	فرانسه ۲/۶۷	رومانی ۲/۵۲	۳۱/۲
۱۳۵۶	آفریقای جنوبی ۳/۲	کویت ۳/۱	انگلستان ۲/۸	فرانسه ۲/۶	دوئی ۲/۴	۲۴/۱
۱۳۵۷	یونان ۴/۵۳	مجارستان ۳/۸۲	عربستان سعودی ۳/۵۵	فرانسه ۳/۲۳	عراق ۳/۱۴	۲۲/۲
۱۳۵۸	چین تایوان ۲/۹۱	عربستان سعودی ۲/۹۱	عراق ۲/۱۰	ژاپن ۲/۰۸	کویت ۱/۷۵	۱۲/۲
۱۳۵۹	اتریش ۱/۶۱	لبنان ۱/۵۰	بلژیک ۱/۳۰	چکسلواکی ۱/۱۷	کویت ۱/۱۵	۷/۸
۱۳۶۰	انگلستان ۲/۷۰	آلمان شرقی ۲/۶۱	چکسلواکی ۲/۴۸	فرانسه ۲/۳۵	لبنان ۱/۷۴	۹/۷
۱۳۶۱	سوئیس ۳/۴۶	عربستان سعودی ۳/۱۶	انگلستان ۳/۰۳	چکسلواکی ۲/۸۰	ژاپن ۲/۴۵	۱۳/۶
۱۳۶۲	مجارستان ۳/۰	کویت ۲/۶۳	ژاپن ۲/۳۵	فرانسه ۲/۲۱	آلمان شرقی سابق ۱/۶۳	۱۰/۴
۱۳۶۳	انگلستان ۴/۹۱	مجارستان ۴/۵۶	آلمان شرقی ۳/۷۵	بلغارستان ۲/۵۳	ترکیه ۱/۶۱	۱۴/۴
۱۳۶۴	انگلستان ۳/۳۰	آلمان شرقی ۳/۹۴	ترکیه ۲/۳۷	پاکستان ۳/۰۵	اتریش ۱/۷۳	۱۴/۰۶
۱۳۶۵	انگلستان ۲/۲۲	هلند ۲/۲۰	آلمان شرقی ۱/۹۸	فرانسه ۱/۸۴	اتریش ۱/۶۵	۱۵/۳
۱۳۶۶	فرانسه ۲/۵۱	هلند ۲/۲۶	انگلستان ۴/۱۶	اتریش ۱/۵۶	چین ۱/۳۵	۱۳/۴۱
۱۳۶۷	آلمان شرقی ۳/۱۳	فرانسه ۱/۸۵	چکسلواکی ۱/۲۳۰	سوئیس ۱/۵۵	اتریش ۱/۱۶	۱۳/۴۱
۱۳۶۸	اسپانیا ۱/۹۰	انگلستان ۱/۷۹	سنگاپور ۱/۶۸	اتریش ۱/۶۴	تونس ۱/۴۵	۱۴/۰۶

۱۳۶۰ ش/ ۱۹۸۱ م، کره جنوبی گوی سبقت را ربود؛ ولی امارات در کل، در مقایسه با دو کشور ترکیه و هندوستان، برتری داشت و اگر به مجموع صادرات کره جنوبی و امارات در طول دو سال مدنظر توجه کنیم، می بینیم که امارات پس از کره جنوبی در جایگاه سوم صادرکنندگان آسیایی به ایران قرار داشت.

ب. جدول جایگاه امارات در صادرات به ایران در میان

آسیایی ها، از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۶۰ ش/ ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۱ م (ایران: تصویر آماری بازرگانی خارجی ۱۳۵۱-۶۰، ش ۲، همراه با ضمیمه سال ۶۱، مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۶۳: ۱۲۸۷).

حال وضعیت امارات در میان کشورهای آسیایی در صادرات به ایران با جدول (ب) نشان داده می شود؛ البته این جدول از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۶۰ ش/ ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۱ م را بررسی کرده است و تنها دو سال پایانی آن دوره جنگ را در برمی گیرد؛ اما همین هم تاحدودی جایگاه امارات متحده را در تجارت با ایران در میان کشورهای آسیایی نشان می دهد. جدای از ژاپن که با فاصله چشمگیری بیشترین صادرات به ایران را به خود اختصاص داده بود، رقابت بین امارات و سه کشور دیگر بسیار تنگاتنگ بود؛ چنان که در دو سال آخر این دوره که دو سال اول جنگ را شامل می شد، امارات در سال ۱۳۵۹ ش/ ۱۹۸۰ م و در مقایسه با کره جنوبی، صادرات بیشتری به ایران داشت؛ اما سال بعد، یعنی

ارزش واردات از قاره آسیا و چند کشور زاین قاره و درصد آنها نسبت به کل واردات هر سال
واحد: میلیارد ریال

	۶۰	۵۹	۵۸	۵۷	۵۶	۵۵	۵۴	۵۳	۵۲	۱۳۵۱		
آسیا	۳۳۷/۱	۱۹۸/۶	۱۶۳/۵	۱۶۳/۱	۲۳۶/۳	۲۳۳/۴	۲۰۲/۶	۱۰۹/۳	۵۴/۳	۳۹/۸	ارزش	
	۳۱/۱	۳۵/۶	۲۳/۹	۲۲/۳	۲۴/۹	۲۵/۱	۲۵/۶	۲۴/۳	۲۱/۵	۲۰/۶	درصد	
ژاپن	۱۲۹/۶	۷۵/۹	۹۳/۸	۱۲۴/۰	۱۶۳/۹	۱۵۵/۵	۱۲۶/۶	۶۷/۷	۳۷/۱	۲۷/۰	ارزش	
	۱۱/۹۸	۹/۸	۱۳/۹	۱۶/۹	۱۵/۹	۱۷/۲	۱۵/۸	۱۵/۱	۱۴/۷	۱۴	درصد	
زاین به آسیا	۳۸/۳	۳۸/۳	۵۱/۶	۷۶	۶۹/۳	۶۶/۶	۶۱/۹	۶۱/۹	۶۸	۶۷/۹	ارزش	
	۳۲/۳	۳۳/۰	۷/۸	۲/۹	۳/۱	۳/۲	۲/۵	۱/۰	-۰/۷	-۰/۶	درصد	
امارات متحده	۳/۰	۳/۲	۱/۱	-۰/۳	-۰/۴	-۰/۳	-۰/۳	-۰/۴	-۰/۳	-۰/۳	ارزش	
	۳۹/۱	۳۰/۳	۱۱/۳	۵/۳	۹/۸	۱۱/۹	۶/۱	۳/۵	۱/۰	-۰/۸	درصد	
کره جنوبی	۳/۵	۳/۹	۱/۶	-۰/۷	-۰/۹	۱/۳	-۰/۸	-۰/۶	-۰/۳	-۰/۴	ارزش	
	۲۳/۳	۸/۰	۱/۷	۱/۶	۲/۸	۳/۹	۳/۸	۲/۶	۱/۰	۱/۱	درصد	
ترکیه	۲/۱	۱/۰	-۰/۲	-۰/۲	-۰/۳	-۰/۳	-۰/۵	-۰/۶	-۰/۴	-۰/۶	ارزش	
	۱۳/۱	۳/۹	۹/۵	۶/۶	۱۳/۷	۲۲/۳	۲۹/۷	۷/۷	۳/۷	۳/۱	درصد	
هندوستان	۱/۳	-۰/۶	۱/۳	-۰/۹	۱/۳	۳/۵	۳/۷	۱/۷	۱/۵	۱/۶	ارزش	
											درصد	

۱۳۸۷

ج. جدول وزن و درصد واردات ایران از امارات در مقایسه با کل واردات از ۱۳۵۱ تا ۱۳۶۰ش، (ایران: تصویر آماری بازرگانی خارجی ۱۳۵۱-۶۰، ش ۲، همراه با ضمیمه سال ۶۱، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۶۳: ۱۳۰۳).

اما در جدول (ج) که واردات از بلوک شرق را نشان می‌دهد، مقدار کالاهای وارداتی از امارات و کره جنوبی برحسب وزن در دوره ده‌ساله گفته‌شده نشان داده شده است و این جدول اطلاعات راجع به واردات از امارات را در دو سال آغازین جنگ تکمیل خواهد کرد.

مقدار واردات از سایر کشورها و کره جنوبی و امارات متحده عربی و درصد آنها نسبت به کل واردات هر سال
واحد: میلیون تن

	۶۰	۵۹	۵۸	۵۷	۵۶	۵۵	۵۴	۵۳	۵۲	۵۱		
سایر کشورها	۲/۹۸	۲/۲۵	۲/۰۰	۱/۰۷	۲/۵۶	۲/۳۶	۲/۱۸	۱/۱۴	-۰/۷۱	-۰/۵۸	وزن	
	۳۵/۶	۲۵/۲	۱۹/۲	۸/۶	۱۴/۹	۱۷/۰	۱۶/۳	۱۲/۱	۱۰/۵	۹/۹	درصد	
کره جنوبی	-۰/۵۶	-۰/۳۱	-۰/۳۰	-۰/۱۲	-۰/۳۸	-۰/۳۰	-۰/۲۹	-۰/۰۹	-۰/۰۳۸	-۰/۰۱۹	وزن	
	۲	۳/۲	۲/۸	۱	۲/۱	۲/۲	۲/۱	-۰/۹۶	-۰/۷	-۰/۳	درصد	
امارات متحده	-۰/۲۶	-۰/۲۸	-۰/۱۱	-۰/۰۶۷	-۰/۰۹۹	-۰/۰۶۸	-۰/۰۳۸	-۰/۰۹	-۰/۰۱۸	-۰/۰۳۵	وزن	
	۱/۹	۲/۸	۱/۰	-۰/۵۳	-۰/۵۷	۳/۹	-۰/۳۶	-۰/۹۶	-۰/۲۷	-۰/۷۸	درصد	

مراوده‌ها و دیدارهای سیاسی اقتصادی و نتایج آن

مقام‌های ایران و امارات در سایر زمینه‌های اقتصادی و تجاری دیدارها و گفتگوهای کردند که ارزش بحث و بررسی دارد و فضای اقتصادی میان دو کشور را روشن‌تر می‌کند. در آذرماه ۱۳۶۴/ دسامبر ۱۹۸۵، وزیر بازرگانی جمهوری اسلامی ایران در رأس هیئتی اقتصادی و بازرگانی به امارات متحده سفر کرد و با شیخ حمدان بن راشد^۱ جانشین ولیعهد دبی و وزیر دارایی و صنعت و نیز سیف‌آل‌جروان وزیر اقتصاد و بازرگانی این کشور دیدار کرد. در این ملاقات درباره روابط دوجانبه، مسائل در کانون علاقه دو طرف و افزایش صادرات ایران به امارات بحث و تبادل نظر شد و وزرای اماراتی آمادگی کشورشان را برای توسعه و تحکیم روابط بازرگانی با ایران اعلام کردند. جعفری وزیر بازرگانی جمهوری اسلامی هم ضمن تشریح وضع کشور، از رشد درخور ملاحظه بخش‌های صنعت و کشاورزی ایران و آمادگی برای صادرات بسیاری از تولیدات مازاد بر مصرف به خارج، به ویژه امارات متحده، سخن گفت و در زمینه واردات، کشورهای مسلمان را در اولویت ایران دانست (اطلاعات، ۱۳۶۴، ش ۱۷۷۶۸: ۲۰). در سال ۱۳۶۴ ش/ ۱۹۸۵ م، ایران برای اولین بار در نمایشگاه آسیایی امارات شرکت کرد و از ایران حدود ۲۵۰ واحد تولیدی صنعتی و کشاورزی و... در این نمایشگاه حاضر شدند (امارات عربی متحده، ۱۳۶۴: ۱۲۷ و ۱۲۸). اما با مشاهده افزایش شدید ارتباطات دو کشور آن هم در فاصله ای کوتاه پس از پایان جنگ، میزان تأثیر جنگ را در این مراوده‌ها بهتر درک می‌کنیم؛ چنان‌که در آذر ۱۳۶۷ ش/ ۱۹۸۸ م، نمایشگاه بین‌المللی شارجه با حضور ۲۵ تعاونی تولیدی ایرانی گشایش یافت و اسلامی‌نسب، معاون بازرگانی داخلی ایران، نیز در

مراسم افتتاحیه حضور یافت و این اولین بار بود که تعاونی‌های تولیدی صنعتی ایرانی در این نمایشگاه شرکت می‌کردند؛ از جمله این تعاونی‌ها تولیدکنندگان پوشاک، لوازم‌خانگی و ماشین‌آلات صنعتی بودند. هدف از شرکت در این نمایشگاه، بازاریابی محصولات تعاونی‌ها برای افزایش صادرات غیرنفتی ایران بود (کیهان، ۱۳۶۷، ش ۱۳۴۷۶: ۹). مدتی بعد عیسی ولایی، رئیس گروه بازرگانی مجلس، ضمن بیان اینکه در سال ۱۳۶۶ ش/ ۱۹۸۷ م، سیصد میلیون دلار کالا به امارات صادر شده است، از مذاکره با رئیس اتاق بازرگانی شارجه برای ایجاد خط کشتیرانی مشترک بین دو کشور، تشکیل نمایشگاه اختصاصی برای عرضه کالاهای ایرانی و ایجاد دفتر تجاری در این شیخ‌نشین خبر داد (اطلاعات، ۱۳۶۷، ش ۱۸۶۳۵: ۴). در دی ماه ۱۳۶۷ نیز استاندار هرمزگان اعلام کرد که با احداث اسکله شناور در بندرلنگه، دو خط کشتیرانی بین دبی بندرعباس و شارجه بندرعباس دایر می‌شود (کیهان، ۱۳۶۷، ش ۱۳۵۰۶: ۱۰).

روابط اقتصادی با ایران و میزان عملکرد مثبت

امارات در برابر ایران در عرصه سیاسی

بدون تردید غیر از روابط اقتصادی و تجاری گسترده، علاقه خاص و ایجابی دیگری در مناسبات دو کشور ایران و امارات متحده وجود نداشت. چه اگر این روابط هم نبود، اماراتی‌ها برای کمک به عراق در مقابل ایران انگیزه‌ای به مراتب بیشتر از عربستان و کویت داشتند و دشمنی بیشتری به جمهوری اسلامی نشان می‌دادند. در کنار عواملی همچون ناسیونالیسم عربی و مذهب مشترک و ترس اعراب از صدور انقلاب ایران، امید دستیابی دوباره به جزایر سه‌گانه (تنب‌بزرگ، تنب‌کوچک و ابوموسی) عاملی بود که برای مقابله با

ایران، به امارات انگیزه‌های بیشتر از دیگر اعراب خلیج فارس می‌داد. از سوی دیگر، همان‌طور که پیش‌ازین گفته شد، بی‌تردید اگر عربستان و کویت پس از جنگ ایران و عراق روابط اقتصادی خود را با ایران حفظ کرده بودند، مواضع به‌مراتب نرم‌تری در قبال ایران اتخاذ می‌کردند؛ اما نبود یا حجم کم روابط اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران، دست آنها را برای اتخاذ مواضع تند و خشن در قبال ایران باز می‌گذاشت. بنابراین ثابت می‌شود که در دوره جنگ ایران و عراق، روابط اقتصادی گسترده امارات با ایران مواضع این کشور را در برابر ایران تاحدی تعدیل می‌کرد و این مسئله از امارات عنصری میانه‌رو ساخته بود.

در دوره جنگ، روابط مستقیم ایران و امارات متحده خوب و رو به گسترش بود. شاید سفر راشد عبدالله^۲ وزیر مشاور در امور خارجی امارات، در دی ۱۳۶۴/دسامبر ۱۹۸۵ به تهران، مهم‌ترین سفر مقامات اماراتی به ایران در دوره جنگ بود. وی با مقامات ایرانی از جمله آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی رئیس مجلس، میرحسین موسوی نخست‌وزیر و علی اکبر ولایتی وزیر خارجه دیدار کرد. هاشمی‌رفسنجانی در دیدار با عبدالله از روابط دو کشور و بی‌طرفی نسبی امارات در جنگ ابراز رضایت کرد (ابرار، ۱۳۶۴، ش ۷۴: ۷۵). راشد عبدالله در دیدار با آیت‌الله خامنه‌ای، امارات را از طرفداران انقلاب ایران از همان آغاز خواند. رئیس‌جمهور ایران نیز دو کشور را دارای اشتراکات فرهنگی فراوان خواند و خواستار گسترش روابط شد. عبدالله در پایان سفر خود، هدف از این سفر را کمک به استقرار امنیت و ثبات در خلیج فارس بیان کرد (جمهوری اسلامی، ۱۳۶۴، ش ۱۹۱۱: ۱۲).

این دیدارها در حالی صورت می‌گرفت که فشارهای عراق و سایر اعراب مانند اوایل جنگ

همچنان ادامه داشت؛ اما به‌طور حتم، امارات متحده علائق خویش را بر منافع دسته‌جمعی اعراب ترجیح می‌داد. شاید این ادعا درست باشد که این علائق تجاری و رابطه نزدیک میان دو کشور بود که باعث شد در جریان انتشار کتاب آیات شیطانی سلمان رشدی در سال ۱۳۶۷ش/۱۹۸۸م، امارات متحده پیشتر و بیشتر از سایر اعراب خلیج فارس از مواضع ایران در این باره حمایت کند. در اسفند همان سال، شیخ‌زاید حاکم امارات در دیدار آیت‌الله جنتی سرپرست سازمان تبلیغات اسلامی که به امارات سفر کرده بود، از دستور خود برای بررسی کتاب آیات شیطانی و صدور حکم لازم درباره نویسنده و ناشر آن خبر داد و هماهنگی با سایر ملل اسلامی را در این زمینه اعلام کرد. شیخ محمدبن احمد الخزرجی، وزیر اوقاف و امور اسلامی امارات، نیز درباره همین مسئله با آیت‌الله جنتی دیدار کرد. وی ضمن تأیید حکم امام خمینی (ره) درباره سلمان رشدی، از حمایت تمام مذاهب اسلامی از این حکم سخن گفت و به ایستادگی امارات در کنار جمهوری اسلامی در مقابله با این توطئه تأکید کرد. ولایتی، وزیر خارجه ایران، هم در این باره پیام‌هایی برای وزرای خارجه امارات، قطر و عمان فرستاد و وزیر مشاور در امور خارجی امارات نیز ضمن تأیید حکم امام خمینی، از بررسی جدی مسئله انتشار کتاب آیات شیطانی در اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی و نیز شورای همکاری خلیج فارس خبر داد و وحدت‌نداشتن کشورهای اسلامی را عامل چنین دسیسه‌هایی دانست (اطلاعات، ۱۳۶۷، ش ۱۸۷۰۴: ۳). از مهم‌ترین سطوح عملکرد امارات در زمان جنگ، رفتار آن در قالب شورای همکاری خلیج فارس بود. شورایی که هم خواست اعراب خلیج فارس بود و هم پاسخی به نیازهای امنیتی آمریکا در منطقه بود که پس از انقلاب ایران، خود را با خلأ ناگهانی عامل نفوذ

مواجه می‌دید و نیاز داشت تا مانعی در برابر ایران و خطر شوروی برای خلیج فارس ایجاد کند (امامی، ۱۳۸۹: ۶۸؛ اسدی، ۱۳۶۹: ۱۴۵ تا ۱۴۷). شورای همکاری خلیج فارس حدود هشت ماه پس از آغاز جنگ و زمین‌گیر شدن نیروهای عراقی در خاک ایران، ایجاد شد. در ۴ خرداد ۱۳۶۰/۲۵ مه ۱۹۸۱، اجلاس سران شورا در ابوظبی تشکیل شد و منشور آن امضا شد و موجودیت آن به طور رسمی تحقق یافت. در منشور، هدف از تأسیس شورا همکاری و هماهنگی کشورهای عضو آن در امور تجاری، مالی، ارتباطات، آموزش فرهنگی و... عنوان شد. تافتخ خرمشهر در ۳ خرداد ۱۳۶۱/۱۹۸۲م، اعضای شورای همکاری علاقه‌چندانی به خاتمه جنگ و عقب‌نشینی عراق نشان نمی‌دادند؛ اما پس از آن، شورا برای نزدیکی به ایران و میانجی‌گری در راستای خاتمه جنگ تحرک‌هایی را شروع کرد؛ ولی کمک به عراق و نشان‌دادن چهره‌ای صلح‌طلب از آن را نیز ادامه داد (ولایتی، ۱۳۹۴: ۵۷۸).

از جمله اقدامات مثبت امارات در شورای همکاری در برابر جنگ ایران و عراق، تلاش‌های این کشور برای میانجی‌گری میان دو کشور بود. سومین اجلاس سران شورای همکاری در ۱۹ آبان ۱۳۶۱/۹ نوامبر ۱۹۸۲ تشکیل شد و این تلاش‌ها در این اجلاس آغاز شد؛ اما موفقیت چندانی نداشت (اطلاعات، ۱۳۶۱، ش ۶۸۵۶: ۱۶). در اجلاس ریاض که در سال ۱۳۶۴ ش/۱۹۸۵م برگزار شد، شورا برای اولین بار بدون دفاع از عراق، پذیرش هیئت‌های میانجی توسط ایران را خواستار شد. پس از ورود ایران از شرق بصره به خاک عراق، شورا به علت ناامیدی از صدام و درک بیشتر واقعیت قدرت ایران، حمایت‌های خود را از عراق کاهش داد. پس از عملیات مسلم‌بن‌عقیل^۳ که ایران برای دومین بار به خاک عراق حمله کرد، کشورهای خلیج فارس که دیگر خود

را از کمک کردن به عراق ناتوان می‌دیدند، خواستار پایان جنگ شدند و از شیخ‌زاید بن سلطان آل‌نهیان، رئیس امارات متحده، خواستند که میان ایران و عراق میانجی‌گری کند (جمهوری اسلامی، ۱۳۶۴، ش ۱۸۳۶: ۷). در نیمه دوم سال ۱۳۶۴ ش/۱۹۸۵م، اعضای شورای همکاری در برابر ایران مواضع ملایم‌تری اتخاذ کردند. در آبان این سال، اجلاس سران شورا در مسقط، پایتخت عمان، برگزار شد و با صدور بیانیه‌ای پایان یافت که برخلاف روال گذشته، در آن انتقادی از ایران نشده بود. این بیانیه خواستار تلاش جامعه جهانی برای پایان جنگ و نیز صلح و مذاکره دو طرف بود. در این اجلاس، وزیر دفاع امارات ضمن اشاره به قراردادن اعراب خلیج فارس در کنار عراق، ایران را کشوری مسلمان دانست که نباید با آن جنگید (اطلاعات، ۱۳۶۴، ش ۱۷۷۳۳: ۲۰). در همین سال صدام پس از شکست‌های پی‌درپی، از شورای همکاری خواست تا ماهانه یک میلیارد دلار در اختیار عراق قرار دهد تا جنگ را پیگیری کند؛ اما این تقاضا با مخالفت اعضای شورا، به ویژه امارات، روبه‌رو شد و تنها عربستان قسمت اعظم آن را برعهده گرفت (جمهوری اسلامی، ۱۳۶۴، ش ۱۸۳۶: ۷).

شاید مهم‌ترین اتفاق سال ۱۳۶۵ ش/۱۹۸۶م برای شورای همکاری در ارتباط با جنگ تحمیلی، اختلاف نظر میان اعضای شورا در قبال حضور نیروهای نظامی بیگانه در خلیج فارس، در ارتباط با جنگ ایران و عراق بود. در پی تشدید جنگ نفت‌کش‌ها، کویت از قدرت‌های بیگانه، به ویژه شوروی و آمریکا، برای محافظت از ناوگان نفت‌کش‌ها در خلیج فارس دعوت کرد و کشتی‌های خود را زیر پرچم این کشورها قرار داد. عربستان سعودی نیز حامی عمده کویت در این دعوت بود. در این میان، امارات و عمان جناح دیگری تشکیل دادند

که با حضور بیگانه در منطقه چندان موافق نبود و تأمین امنیت منطقه را برعهده خود کشورهای حوزه خلیج فارس می‌دانست. قطر هم به درجه کمتری به این جناح متمایل بود. بحران منطقه شکاف در شورا را باعث شد و با تضعیف نیروهای بیگانه در انجام مأموریت خویش، کفه ترازو به سود کشورهای جناح دوم سنگین شد؛ در نتیجه، در برخورد کشورهای منطقه با ایران تغییرات تدریجی ایجاد شد که نتایج آن در اجلاس سران شورا در ریاض آشکار شد و در مواضع اعضا در برابر جنگ و جمهوری اسلامی چرخش فراوانی ایجاد کرد. در آستانه تشکیل این اجلاس، شیخ‌زاید ضمن انتقاد از حضور بیگانگان در منطقه، خواستار اعزام کردن هیئت‌های میانجی به ایران شد. بیانیه پایانی اجلاس ریاض در برابر ایران لحن متعادل‌تری داشت و در آن از محکوم کردن شدید ایران اجتناب شد و تنها به ابراز تأسف از مواضع جمهوری اسلامی در برابر قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل و امیدواری به خاتمه جنگ و به کارگیری توانایی‌های ایران برای مقابله با دشمنان اسلام اکتفا شد. کشورهای منطقه در اعلامیه خود از ایران خواسته بودند که به اصول حسن همجواری و امنیت منطقه احترام بگذارد. در آن زمان، کارشناسان معتقد بودند که عمان و امارات متحده در قالب اعضای میانه‌رو شورا در برابر ایران، در بیانیه پایانی بهتر از عربستان و کویت مواضع خویش را به کرسی نشانند (رسالت، ۱۳۶۶، ش ۶۱۹: ۳).

اما اتحادیه عرب یکی دیگر از سازمان‌های مهم بین‌المللی بود که عملکرد امارات در سطح آن جای بحث و بررسی دارد. در این سازمان نیز اماراتی‌ها در کنار اقدامات منفی، بعضی اقدامات مثبت را در رابطه با ایران انجام دادند. نمونه آن را در اجلاس اتحادیه عرب در تونس در سال ۱۳۶۶ش/۱۹۸۷م، در زمان اصرار عربستان و سایر کشورهای تندرو عرب برای قطع

رابطه با ایران تا زمان پذیرش قطعنامه‌های سازمان ملل، می‌بینیم که با مقاومت و مخالفت شدید سوریه، الجزایر، لیبی، عمان و به خصوص امارات متحده عربی مواجه شد؛ در نتیجه، در قطعنامه پایانی آن درباره ایران تاحد بسیاری تجدیدنظر شد (جمهوری اسلامی، ۱۳۶۶، ش ۲۳۹۰: ۳). در این باره، به نظر می‌رسد که روابط تجاری گسترده با ایران از جمله علت‌های اتخاذ چنین تصمیمی از سوی امارات متحده و نیز عمان بود.

سازمان اوپک (Petroleum Exporting Countries Organization) عرصه دیگری بود که عملکرد امارات در آن برای ایران مهم بود. به طور طبیعی، هر تصمیمی که اعضای اوپک می‌گرفتند، بر سیاست و اقتصاد کشورهای عضو تأثیرگذار بود. در عرصه اقتصادی، تصمیم‌های اوپک درآمدهای نفتی ایران را کاهش یا افزایش می‌داد؛ بنابراین این تصمیم‌ها به صورت مستقیم، درآمد کشور و معیشت مردم ایران را تحت تأثیر قرار می‌داد. در اجلاس ۷۸ سازمان در سال ۱۳۶۵ش/۱۹۸۶م، به طور تقریبی تمامی اعضا، به ویژه امارات، با پیشنهاد ایران برای محدودسازی تولیدات اعضا، به استثنای عراق، در حد سهمیه‌های سال ۱۳۶۳ش/۱۹۸۴م موافقت کردند. این امر افزایش قیمت‌ها را از زیر ۱۰ دلار به حدود ۱۵ دلار در هر بشکه موجب شد و در نتیجه، درآمدهای ایران افزایش یافت. براساس اعلام دبیرخانه اوپک، تا پیش از این تصمیم، اعضا سازمان در ۸ ماهه اول سال ۱۹۸۶م معادل ۶۰ میلیارد دلار ضرر کرده بودند، تراز پرداخت‌ها و موازنه بازرگانی اعضا دچار اختلال شدید شده بود و بسیاری از طرح‌های عمرانی و نیز پرداخت‌های خارجی متوقف شده بود (عادلی، ۱۳۷۰: ۲۶۶). این پیشنهاد با توافقی دسته‌جمعی به سرانجام رسید و امارات متحده نیز با آن همراهی کرد. حمایت امارات متحده از کاهش تولید نفت، فصلی تازه از رفتار این

کشور در سطح سازمان اوپک با ایران بود و تا مدتی مدید ادامه یافت. در مهرماه همین سال، یعنی ۱۳۶۵ ش/ ۱۹۸۶ م، امارات خواستار تمدید مدت پیشنهاد ایران مبنی بر کاهش سطح تولید اوپک شد و مانع سعیدالعتیبه، وزیر نفت امارات، ضمن حمایت از تمدید مدت این پیشنهاد تا پایان سال ۱۹۸۶ م/ ۱۳۶۵ ش، قیمت ۱۵ تا ۲۰ دلار برای هر بشکه را عقلائی خواند و خواستار حفظ این سطح تا سال ۱۳۶۹ ش/ ۱۹۹۰ م شد. این اظهارات در کمتر از دو هفته مانده به اجلاس ۱۴ مهر ۱۳۶۷ اوپک که قرار بود در ژنو برگزار شود، بیان شد و طی آن مقرر شد که اعضا استراتژی درازمدتی را برای ایجاد تعادل در بازار نفت پی‌ریزی کند تا جایگزین استراتژی موقتی شود. مبنای این استراتژی درازمدت نیز همان پیشنهاد ایران مبنی بر کاهش ۳/۵ میلیون بشکه‌ای تولید بود. العتیبه برای دستیابی به فرمول جدید ایجاد تعادل در بازار، تمدید این پیشنهاد را تا پایان سال خواهان شد (اطلاعات، ۱۳۶۵، ش ۱۷۹۸۹: ۴). این تقاضای امارات با طرح شرایطی از طرف عربستان سعودی، با استقبال آن کشور نیز روبه‌رو شد تا در نتیجه آن، پیشنهاد ایران تا پایان سال میلادی تمدید شود. هرچند که در نهایت، اعضا با تقاضای کویت برای افزایش سهمیه تولید خود، موافقت کردند (اطلاعات، ۱۳۶۵، ش ۱۸۰۰۸: ۴). این دوره را باید عصر همراهی امارات متحده با ایران در سطح اوپک دانست. افزایش قیمت نفت در این زمان، کاهش فشارهای بر ایران برای ادامه جنگ را باعث می‌شد. جنگی که هزینه‌های سرسام‌آوری برای ایران داشت.

سازمان ملل متحد سطح دیگری است که عملکرد امارات متحده در عرصه آن ذکر کردنی است. در پی سفر وزیر خارجه امارات به ایران در سال ۱۳۶۴ ش/ ۱۹۸۵ م، مقاله‌ای در مطبوعات ایران منتشر شد که روابط ایران و

امارات را بررسی می‌کرد. این مقاله از جمله خدمات امارات به ایران را رأی منفی امارات به قطعنامه حقوق بشری آمریکا بر ضد ایران در سازمان ملل متحد می‌دانست (خراسان، ۱۳۶۴، ش ۱۰۵۵۳: ۷).

مهم‌ترین قطعنامه سازمان ملل برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق همان قطعنامه ۵۹۸ است که در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۶/ ۲۰ جولای ۱۹۸۷، به تصویب شورای امنیت رسید. در جلسه ۲۷۵۰ این شورا که علاوه بر پنج عضو دائم، یازده عضو غیردائم را نیز در بر می‌گرفت، امارات متحده عربی نیز حضور داشت. ریاست دوره‌ای شورا بر عهده فرانسه بود و جلسه در ساعت ۳ بعد از ظهر برگزار شد (خرمی، ۱۳۸۸: ۶/۲۶۴).

راشد عبدالله، نماینده امارات، در سخنرانی خود در این جلسه از شروع و ادامه جنگ و تخریب دو کشور درگیر ابراز تأسف کرد و جنگ را تهدیدی نگران‌کننده برای امنیت منطقه و جهان دانست. او از تلاش‌های امارات برای پایان دادن به جنگ و ایجاد صلح سخن گفت. وی ضمن ابراز مسرت از نقش کشورش در صدور قطعنامه ۵۹۸، از اجرای آن حمایت کرد. عبدالله این قطعنامه را تجلی اراده بین‌المللی خواند و تعدادی از مواد آن از جمله رعایت حقوق بشر دوستانه بین المللی، مجاز نبودن اشغال سرزمین‌ها، رعایت مقررات دریانوردی غیرنظامی، توقف حملات علیه اهداف غیرنظامی و آزادی اسیران جنگی را برشمرد. او قطعنامه جدید را متوازن دانست و به دو طرف درگیر برای پایان دادن جنگ توصیه‌هایی کرد و خواستار تلاش بین المللی برای اجرای این قطعنامه شد و از اراده کشورش برای کمک در بازسازی دو کشور خبر داد (خرمی، ۱۳۸۸: ۶/۲۶۸ و ۲۶۹). قطعنامه ۵۹۸ با لحاظ کردن خواست ایران مبنی بر مشخص کردن متجاوز، به جنگ دو کشور خاتمه داد.

نتیجه

ضد ایران در سال ۱۳۶۴ش/۱۹۸۵م و ایفای نقش در صدور قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت درباره جنگ عراق و ایران در سال ۱۳۶۶ش/۱۹۸۷م در سطح سازمان ملل. این مواضع امارات ثابت می‌کند که بین گسترش روابط اقتصادی ایران و امارات متحده و افزایش تعهد سیاسی امارات در برابر ایران رابطه مثبت وجود داشت و در واقع، در مواضع امارات در برابر ایران و جنگ ایران با عراق، روابط اقتصادی و سود تجاری اهرمی تنظیم کننده بود که در مقابل عوامل **کشاننده** امارات به سوی عراق یعنی ناسیونالیسم عربی، مذهب مشترک و ادعای رژیم بعث درباره جزایر سه گانه قرار می‌گرفت و تعادل و توازن در مواضع امارات متحده را موجب می‌شد.

امروزه ایران در وضعیت جنگ قرار ندارد؛ اما تحریم آمریکا و غرب همچنان پابرجاست. مانند روابط ایران و امارات در دوره جنگ، در زمان حاضر نیز عاملی نیاز است که کشورها را به یکدیگر جذب کند و هنگامی که بستر محیا باشد، حتی تحریم قدرت‌های جهانی نیز مانع این امر نیست؛ به عبارت دیگر از آنجاکه نیاز، مادر تمامی الگوهای اقتصادی است، در چنین اوضاعی باید با مطالعه و نیازسنجی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و سایر کشورها در ظرف زمانی خاص آن، به ویژه در هنگام بحران‌های اقتصادی، زمینه را برای ایجاد و پی‌ریزی روابط پایدار تجاری، حتی با وجود تحریم‌ها، فراهم کرد. حال چه با عربستان که رقیب منطقه‌ای سرسخت ایران است و چه با یمن که به واسطه تحریم و جنگ، نمونه‌ای مناسب برای اجرای الگوی موضوع بحث است؛ همچنان که چنین وضعی، در دهه گذشته، روابط اقتصادی وسیعی میان ایران و عراق برقرار کرد. رابطه اقتصادی افزایش انعطاف سیاسی را نیز در پی دارد؛ ولی شرط اول، نیاز اقتصادی

روابط اقتصادی میان ایران و امارات در دوره جنگ ایران و عراق گسترده بود و این امر در افزایش تعهد سیاسی امارات در برابر ایران تأثیر گذاشت. در این زمینه دو علت بیان کردنی است: ۱. نبود چنین رابطه‌ای بین ایران و کشورهای نظیر عربستان و کویت که باعث می‌شد این دو در قبال ایران مواضعی تند اتخاذ کنند و در تمام دوره جنگ جانب عراق را بگیرند؛ با مطالعه روزنامه‌های دوره جنگ، مشخص می‌شود که در روابط ایران با اعراب خلیج فارس، نام امارات متحده بیشترین فراوانی را داشته است و در زیر آنها همواره روابط اقتصادی مطرح شده است.

بعضی اقدامات مثبت امارات متحده در عرصه روابط مستقیم با ایران یا در سطوح بین‌المللی در رابطه با جنگ عراق و ایران خلاصه‌وار عبارت اند از: الف. رفت و آمدهای سیاسی و اقتصادی فراوان در سطح مقامات عالی‌رتبه دو کشور یا مواضع مشترک این دو در قبال مسائلی مانند مخالفت با اسرائیل، حضور بیگانگان در منطقه یا انتشار کتاب آیات شیطانی؛ ب. امارات متحده در نقش میانجیگری مهم میان ایران و عراق از طرف شورای همکاری خلیج فارس و نیز رابط این شورا با ایران شناخته شده است. امارات متحده در موضوع دعوت از قدرت‌های بیگانه برای حفاظت از کشتیرانی در خلیج فارس، مقابل سایر اعضای شورای همکاری ایستاد و با آن مخالفت کرد؛ ج. مخالفت امارات با قطع روابط اعراب با ایران در اجلاس اتحادیه عرب در تونس در سال ۱۳۶۶ش/۱۹۸۷م؛ د. موافقت امارات با پیشنهاد ایران برای کاهش سقف تولید اوپک با هدف افزایش قیمت‌ها در سال ۱۳۶۵ش/۱۹۸۶م و پیشنهاد اماراتی‌ها برای تمدید آن تا پایان همان سال میلادی؛ د. مخالفت با قطعنامه حقوق بشری آمریکا

ج ۶ و ۷، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ).

. رزاقی، ابراهیم، (۱۳۶۷)، **اقتصاد ایران**، تهران: نی. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و دیگران، (۱۳۷۱)،

اقتصاد ایران، ویرایش دوم، چ ۱، ش ۹، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، واحد تحقیقات بازرگانی: از سری انتشارات بررسی مسائل کشورها.

. صفری، محسن، (۱۳۷۰)، **ما اعتراف می‌کنیم**، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

. عادل، سیدمحمدحسین، (۱۳۷۰)، **اقتصاد بین المللی و بازرگانی خارجی ایران**، چ ۲، بی‌جا: جهاد دانشگاهی.

. علیخانی، حسین، (۱۳۸۴)، **تحریم ایران؛ شکست یک سیاست**، ترجمه محمد متقی‌نژاد، چ ۲، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی؛ مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه.

. وزارت ارشاد اسلامی؛ مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، (شهریور ۱۳۶۴)، **فهرست مقالات جنگ تحمیلی در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران**، ج ۱، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

. وزارت امور خارجه، اداره نهم سیاسی، (۱۳۵۴)، **امارات عربی متحده**، بی‌جا، بی‌نا.

. وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، (۱۳۹۰)، **امارات عربی متحده**، تهران: وزارت امور خارجه.

. وزارت بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، (۱۳۶۳)، **ایران: تصویر آماری بازرگانی خارجی ۶۰-۱۳۵۱ شماره ۲**، همراه با ضمیمه سال ۱۳۶۱، بی‌جا: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

. ولایتی، علی‌اکبر، (۱۳۹۴)، **تاریخ کهن و معاصر**

خود جمهوری اسلامی ایران است و شاید کسب سود انگیزه‌ای مناسب در این راستا باشد که هرچند در کوتاه مدت امید چندانی به آن نیست، در بلندمدت جای بحث و بررسی دارد

پی‌نوشت

۱. فرزند شیخ‌محمد بن راشد آل‌مکتوم حاکم دبی، نیابت حکومت امارات و مقام نخست‌وزیری از آن این خاندان است.

۲. راشد عبدالله‌النعیمی از خاندان حکومتی عجمان، عنوان مشاور در سمت وی به این علت است که تصمیم‌گیری اصلی در سیاست خارجی امارات برعهده رئیس حکومت بود و مدیریت و اجرای آن از وظایف نخست‌وزیر بود. برای اطلاعات بیشتر در این باب رجوع شود به: (کتاب سبز امارات متحده عربی، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۹۰).

۳. این عملیات در مهر ۱۳۶۱ ش/ ۱۹۸۲ م، در غرب کشور انجام شد و علاوه بر آزادی بخش‌هایی از خاک ایران، به تصرف قسمتی از خاک عراق نیز منجر شد.

کتابنامه

الف. کتاب

. بی‌نام، **امارات متحده عربی**، (۱۳۶۴): بی‌جا: از سری انتشارات نظری اجمالی به کشورها شماره ۱۷. . اسدی، بیژن، (۱۳۷۱)، **علایق و استراتژی ابرقدرت‌ها در خلیج فارس**، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

. امامی، محمدعلی، (۱۳۸۹)، **عوامل تأثیرگذار خارجی در خلیج فارس**، چ ۴، تهران: وزارت خارجه. . خرمی، محمدعلی، (۱۳۸۸)، **جنگ ایران و عراق در اسناد سازمان ملل متحد**، ترجمه محمدعلی خرمی،

ایران زمین/۱۲: ایران در زمان رهبری امام خمینی (ره)، بخش دوم (۱۳۵۷-۱۳۶۸)، تهران: امیرکبیر.

ب. روزنامه

. ابرار، دوشنبه ۹ دی ۱۳۶۴، شماره ۷۴.
. اطلاعات، دوشنبه ۱۰ آبان ۱۳۶۱، ش ۱۶۸۵۶.
. -----، سه‌شنبه ۱۸ آبان ۱۳۶۱، ش ۱۶۸۶۳.
. -----، پنجشنبه ۱۶ آبان ۱۳۶۴، ش ۱۷۷۳۳.
. -----، یکشنبه ۲۴ آذر ۱۳۶۴، ش ۱۷۷۶۳، ضمیمه اقتصادی.

. -----، شنبه ۳۰ آذر ۱۳۶۴، ش ۱۷۷۶۸.
. -----، شنبه ۵ مهر ۱۳۶۵، ش ۱۷۹۸۹.
. -----، یکشنبه ۲۷ مهر ۱۳۶۵، ش ۱۸۰۰۸.
. -----، دوشنبه ۲۱ آذر ۱۳۶۷، ش ۱۸۶۳۵.
. -----، سه‌شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۶۷، ش ۱۸۷۰۴.
. جمهوری اسلامی، سه‌شنبه ۹ مهر ۱۳۶۴، س ۷، ش ۱۸۳۶.

. -----، سه‌شنبه ۱۰ دی ۱۳۶۴، س ۷، ش ۱۹۱۱.

. -----، چهارشنبه ۴ شهریور ۱۳۶۶، س ۹، ش ۲۳۹۰.

. خراسان، سه‌شنبه ۱۰ دی ۱۳۶۴، ش ۱۰۵۵۳.
. رسالت، سه‌شنبه ۳۰ دی ۱۳۶۵، ش ۳۰۱.
. رسالت، چهارشنبه ۱۱ آذر ۱۳۶۶، ش ۵۵۱.
. -----، یکشنبه ۲ اسفند ۱۳۶۶، ش ۶۱۹.
. کیهان، چهارشنبه ۲ آذر ۱۳۶۷، ش ۱۳۴۷۶.
. -----، چهارشنبه ۷ دی ۱۳۶۷، ش ۱۳۵۰۶.

ج. مقاله

. تیزهوش، م.م، (۱۵ خرداد ۱۳۶۵)، «علل تغییرات قیمت نفت»، مجله اقتصادی، نشریه داخلی معاونت امور اقتصادی و بین‌المللی وزارت امور اقتصاد و دارایی، س ۱، ش ۳: ۲ تا ۲۹.

. وزارت بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، (آبان ۱۳۶۶): «مروری بر بازرگانی خارجی ایران در طی سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۶۳»، ماهنامه بررسی‌های بازرگانی، ش ۶، ۲۹ تا ۳۹.

